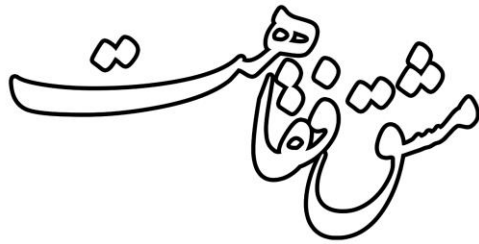


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دوفصلنامه علمی — تخصصی

سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳



صاحب امتیاز: مدرسه عالی حوزوی ائمه اطهار علیهم السلام

مدیر مسئول: محمدرضا فاضل کاشانی

سر دبیر: محمدعلی قاسمی

مدیر تحریریه: حامد اسدی



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

علی اسلامی فر / حامد اسدی / سیدجواد حسینی گرگانی

حامد خادم الذاکرین / احمدرضا خسروی

محمدعلی قاسمی / محمدرضا فاضل کاشانی



مدیر اجرایی: حامد خادم الذاکرین

ویراستار: مهران اسلامی

مترجمان: مجتبی شیخی (انگلیسی) / میثم حسینی (عربی)

طراح جلد: حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا: صفرعلی اخلاقی



نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، دفتر دوفصلنامه مشق فقاهت

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۹۴۹۴ - دورنگار: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۵۸۸

قیمت: ۷۰۰۰۰۰ ریال





A Critical Reappraisal of the Juristic Foundations of Sahib al-Jawāhir and Sayyid Muḥammad Sa'īd Hakīm on the Sufficiency of Recommended Ghusl in Place of Wudu

Ali Muzaffarin¹

Muḥammad Riḍā Khānī²

Abstract

One of the significant and disputed issues in Imāmī jurisprudence (*fiqh al-Imāmiyya*) is whether recommended ritual baths (*aghṣāl mustahabba*) are sufficient in place of ritual ablution (*wuḍū'*). This question has long been debated among Shi'i jurists and plays a decisive role in the validity of acts of worship, particularly prayer. From a general perspective, both *ghusl* and *wuḍū'* are among the three forms of ritual purification (*al-tahārāt al-thalāth*) and constitute prerequisites for the validity of worship; however, the precise relationship between them and the possibility of one substituting for the other has consistently been subject to doubt. The central question is whether recommended ritual baths, like the obligatory *ghusl* of major ritual impurity (*ghusl al-janāba*), can replace *wuḍū'*, or whether *wuḍū'* remains an independent and universal condition for the validity of prayer.

In this context, two prominent positions have been advanced by Ṣāhib al-Jawāhir and Ayatollah Sayyid Muḥammad Sa'īd Ḥakīm. The former emphasizes the insufficiency of recommended ritual baths in place of *wuḍū'*, whereas the latter maintains the absolute sufficiency of all legislated ritual baths (*aghṣāl mashrū'a*) as substitutes for *wuḍū'*. Employing a descriptive–analytical method and focusing on a



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

1. Graduate of Level Two (Sath 2), Ahl al-Bayt (Peace Be upon Them) Jurisprudential Center, alimozaffarin01@gmail.com

2. Graduate of Level Four (Sath 4), Ahl al-Bayt (Peace Be upon Them) Jurisprudential Center, mohammadrezakhani112@gmail.com

comparative examination of these two jurists' views, the present study investigates the Qur'anic, ḥadīth-based, and uṣūlī foundations of both theories. The findings indicate that the narrations supporting Ayatollah Ḥakīm's position are stronger in terms of both chain of transmission and indication, and that the responses offered to opposing objections exhibit greater logical coherence and uṣūlī rigor. Accordingly, the theory affirming the absolute sufficiency of all legislated ritual baths in place of *wuḍū'*, grounded in robust narrational and uṣūlī evidence, is evaluated as the more defensible and preferable position.

Keywords: recommended ritual baths (*aghṣāl mustaḥabba*), *wuḍū'*, sufficiency of *ghusl*, Ṣāhib al-Jawāhir, Ayatollah Ḥakīm, Imāmī jurisprudence.





دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال دوم، شماره چهارم (پاییز و زمستان ۱۴۰۳)
تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

بازخوانی انتقادی مبانی صاحب جواهر و سید محمد سعید حکیم در مسئله کفایت غسل مستحبی از وضو

علی مظفرین^۱

محمد رضا خانی^۲

چکیده

از مباحث مهم و مورد اختلاف در فقه امامیه، مسئله کفایت اغسال مستحبی از وضو است؛ موضوعی که از دیرباز محل بحث میان فقهای شیعه بوده و در صحت عبادات، به ویژه نماز، نقش تعیین کننده ای دارد. از منظر کلی، غسل و وضو هر دو از طهارات ثلاث و از مقدمات صحت عبادت به شمار می روند، با این تفاوت که نسبت میان آنها و امکان جانشینی یکی از دیگری، همواره محل تردید بوده است. پرسش اصلی آن است که آیا غسل های مستحب، همانند غسل جنابت، می توانند جایگزین وضو شوند یا آنکه وضو در همه موارد شرط مستقل صحت نماز است؟ در این میان، دو دیدگاه شاخص از سوی صاحب جواهر و آیت الله سید محمد سعید حکیم ارائه شده است؛ دیدگاه نخست بر عدم کفایت اغسال مستحبی تأکید دارد، و دیدگاه دوم قائل به کفایت مطلق اغسال مشروعه از وضو است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با تمرکز بر بررسی تطبیقی دیدگاه های دو فقیه یادشده، به واکاوی مبانی قرآنی، روایی و اصولی هر دو نظریه پرداخته است. نتایج بررسی نشان می دهد که روایات مؤید دیدگاه آیت الله حکیم از حیث سند و دلالت از قوت بالاتری برخوردارند و پاسخ های ارائه شده به اشکالات مخالفان از استحکام منطقی و اصولی بیشتری بهره مند است. بر این اساس، نظریه کفایت مطلق اغسال مشروعه از وضو، با پشتوانه قوی روایی و اصولی، دیدگاهی برتر و قابل دفاع تر ارزیابی می شود.

واژگان کلیدی: اغسال مستحبی، وضو، کفایت غسل، صاحب جواهر، آیت الله حکیم، فقه امامیه.

۱. دانش آموخته سطح ۲، مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)؛ alimozaffarin01@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح ۴ رشته فقه و اصول حوزه علمیه قم؛ mohammadrezakhani112@gmail.com

مقدمه

از جمله مباحث پرچالش و مورد اختلاف در میان فقهای امامیه، مسئله کفایت اغسال مستحبی از وضو هنگام نماز است. گروهی از فقها، از جمله ابن ادریس حلی، بر این باورند که اغسال مستحبی به طور مطلق جایگزین وضو می شوند (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۴۰) و در صورتی که مکلف پس از انجام چنین غسلی قصد نماز داشته باشد، نیازی به وضوی جداگانه ندارد. در مقابل، فقهای مانند شهید اول و صاحب جواهر بر این نظرند که اغسال مستحبی به تنهایی کفایت نمی کنند و وضو شرط صحت نماز است. این اختلاف نظر، تنها یک بحث نظری در فقه نیست، بلکه تأثیر مستقیم بر صحت عبادات روزمره مؤمنان دارد و از این جهت از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است؛ زیرا اگر قول به کفایت غسل پذیرفته شود، نماز بدون وضو پس از غسل مستحبی صحیح خواهد بود، اما اگر این قول پذیرفته نشود، همان نماز باطل خواهد بود و این تفاوت، آثار فقهی و عملی فراوانی به دنبال دارد. از این رو، بررسی دقیق این مسئله از حیث مبانی فقهی، اصولی و روایی ضرورتی انکارناپذیر است، به ویژه آنکه تعدد روایات در این زمینه، تفاوت برداشت فقها از نصوص، و اختلاف در مبانی اصولی مورد استفاده، سبب شده است که این بحث نیازمند بازخوانی عالمانه و تطبیقی باشد تا روشن شود کدام نظریه از پشتوانه متقن تری برخوردار است.



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

اهمیت این پژوهش در آن است که به یکی از مسائل مورد ابتلا در فقه عبادات می پردازد که آثار آن نه تنها در صحت عبادت بلکه در دایره احتیاط شرعی و نحوه امتثال اوامر الهی نمود دارد. از سوی دیگر، نبود پژوهشی که به صورت روشمند و تحلیلی، دیدگاه دو فقیه شاخص در این مسئله را از منظر سندی و دلالتی روایات بررسی کرده باشد، ضرورت انجام این تحقیق را دوچندان می کند.

در بررسی پیشینه پژوهش، هرچند در منابع فقهی و رساله های اجتهادی فقها اشاراتی به مسئله کفایت اغسال مستحبی از وضو وجود دارد، اما اثری را نمی توان یافت که به صورت مستقل و عمیق به تحلیل و نقد مبانی و ادله این دو دیدگاه از منظر صاحب جواهر و محقق حکیم پرداخته باشد؛ چرا که مقالات موجود، نظریه کلی را مطرح کرده اند؛ برای نمونه در مقاله ای با عنوان «بررسی کفایت اغسال از

وضو در فقه امامیه و اهل سنت»، نویسنده ضمن مقایسه میان اقوال فقهای دو مذهب، بیشتر به گردآوری آرای فقهی شیعه و اهل سنت پرداخته و تحلیل دلالی دقیق روایات را از نظر صاحب جواهر و محقق حکیم مورد توجه قرار نداده است. در پایان نامه ای دیگر با عنوان «اغسال مستحبی و نقش آنها در عبادات» نیز، تمرکز اصلی بر بیان کاربردهای اغسال در زندگی عبادی بوده و مسئله کفایت آنها از وضو تنها به صورت گذرا مطرح شده است. افزون بر این، در برخی آثار فقه مقارن یا شروح متأخر، گاه در ضمن مبحث اغسال، اشاره هایی کوتاه به این بحث دیده می شود، اما هیچ یک از این پژوهش ها به بررسی نظام مند مستندات، تحلیل سندی روایات و نقد مبانی و ادله صاحب جواهر و محقق حکیم نپرداخته اند.

در پژوهش حاضر، تمرکز بر دو نظریه شاخص یعنی دیدگاه آیت الله سید محمدسعید حکیم مبنی بر کفایت مطلق غسل از وضو و دیدگاه مقابل به رهبری صاحب جواهر که اغسال مستحبی را کافی نمی داند، قرار گرفته است. در این راستا، ابتدا مبانی و مستندات هر یک از این دو دیدگاه به تفصیل تبیین می شود، سپس اشکالات و نقدهای وارد بر آنها مورد بررسی قرار می گیرد و در نهایت با تحلیل تطبیقی، پشتوانه روایی و اصولی هر نظریه سنجیده می شود تا روشن گردد کدام دیدگاه از انسجام فقهی و روایی بیشتری برخوردار است.

هدف نهایی تحقیق، دستیابی به تحلیلی روشمند و دفاع پذیر از مسئله کفایت اغسال مستحبی از وضو بر پایه قواعد فقهی و اصولی است تا ضمن تبیین مواضع فقیهان بزرگ، خلأ موجود در پژوهش های پیشین جبران و مسیر روشن تری برای تحقیقات فقهی بعدی فراهم شود.

۱. بیان نظریه دو فقیه

در این بخش، دیدگاه ها و نظریه های فقهی دو فقیه مورد بحث، در زمینه کفایت یا عدم کفایت غسل های مستحب از وضو بررسی می شود. ابتدا نظریات مطرح شده از سوی هر یک از آنان تبیین شده، سپس مبانی و مستندات آنها از منظر قرآن، سنت و عقل تحلیل می گردد. هدف از این بخش، روشن سازی مبانی اختلاف و نحوه استدلال هر فقیه در این مسئله است.



۱-۱. نظریه اول: دیدگاه صاحب جواهر در عدم کفایت غسل از وضو

برای تبیین دیدگاه صاحب جواهر مبنی بر عدم کفایت اغسال مستحبی از وضو، ابتدا به ادله‌ای که ایشان بر این مبنا اقامه کرده‌اند اشاره می‌کنیم. این ادله را می‌توان در سه دسته: قرآنی، روایی و عقلی تقسیم کرد. در ادامه، نخست ادله قرآنی این نظریه بررسی می‌شود.

صاحب جواهر برای اثبات ادعای خود مبنی بر عدم کفایت اغسال مستحبی از وضو، به آیه ۶ از سوره مائده استناد کرده‌اند. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت‌ها و دست‌های خود را بشوید!»^۱ برداشتی که می‌توان از این آیه داشت آن است که اطلاق آیه اقتضا می‌کند، قول صاحب جواهر پذیرفته شود؛ زیرا در آیه به صراحت امر به وضو گرفتن شده است و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اطلاق آیه بر ضرورت انجام وضو دلالت دارد و اشاره‌ای به کفایت غسل (مستحبی یا غیر آن) به جای وضو نشده است. بنابراین، نخستین دلیل مرحوم صاحب جواهر برای اثبات دیدگاه خویش، همین آیه شریفه است (نجفی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۴۳).



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

علاوه بر آیات قرآن، برخی روایات نیز، این دیدگاه را تایید می‌کند روایاتی که در ادامه ذکر می‌شود، همگی دلالت بر این دارند که برای تمام اغسال، وضو گرفتن لازم است و تنها غسل جنابت می‌تواند از وضو کفایت کند. مرحوم صاحب جواهر در کتاب خود به چند روایت در این زمینه استناد کرده‌اند: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «پیش از هر غسلی وضو وجود دارد» [کنایه از اینکه هر غسلی نمی‌تواند جای وضو را بگیرد] مگر غسل جنابت.^۲ ظاهر این روایت چنین اقتضا دارد که برای هر غسلی باید وضو گرفت؛ به این معنا که هیچ غسلی به جز غسل جنابت، کفایت از وضو نمی‌کند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۴۸). افزون بر آن امام صادق علیه السلام فرموده است: «در هر غسلی وضو وجود دارد، مگر غسل جنابت»^۳ (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۴۸). این نیز همانند روایت پیشین ظاهر در این است که باید همراه هر غسلی وضو گرفته

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ...»

۲. کل غسل قبله وضوء الا غسل الجنابه.

۳. فی کل غسل وضوء الا الجنابه.

شود، مگر در غسل جنابت که از این قاعده مستثنا شده است. همچنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «هر غسلی نیازمند وضو است، مگر غسل جنابت»^۱ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۷۷) و از امام کاظم علیه السلام نیز نقل شده است: «هنگامی که خواستی روزجمعه، غسل کنی، وضو بگیر و سپس غسل کن!»^۲ (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۴۹) به علاوه از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «در غسل جنابت نیازی به وضو نیست، و در هر غسلی غیر از آن، وضو لازم است؛ چرا که غسل جنابت واجبی است که کفایت از واجب دیگر می‌کند. اما سایر غسل‌ها از وضو بی‌نیاز نمی‌سازند؛ چرا که غسل مستحب است و وضو واجب، و مستحب نمی‌تواند جای واجب را بگیرد. از این رو اگر قصد غسل غیر جنابت داشتی، ابتدا وضو بگیر سپس غسل کن و اگر وضو نگرفتی، غسل تو کفایت از وضو نمی‌کند و برای نماز باید دوباره وضو بگیری»^۳ (علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۱۴۱۰، ص ۳۲). ظاهر این روایت نیز مانند روایات پیشین، بر این نکته تأکید دارد که تنها غسل جنابت می‌تواند جای وضو را بگیرد و سایر اغسال اگر مستحب باشند، کفایت از وضو نمی‌کنند.



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۲-۱. نظریه دوم: دیدگاه محقق حکیم مبنی بر کفایت هر گونه غسل مستحبی از وضو

در میان فقهای شیعه، گروهی از علما قائل به کفایت غسل مستحبی از وضو هستند؛ یعنی بر این باورند که اگر فردی یکی از اغسال مستحبی را به‌جا آورد، دیگر نیازی به وضو برای نماز ندارد. از جمله این فقها آیت‌الله سید محسن حکیم و شهید اول است (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۵). در ادامه به ادله محقق حکیم می‌پردازیم ایشان با ذکر اشکالاتی بر نظریه عدم کفایت غسل مستحبی از وضو، این نظریه را پذیرفته‌اند. هر چند بحث مستقلی به‌صورت مبسوط درباره ادله اثبات این نظریه

۱. کل غسل لابد فيه وضو الا الجنابة.

۲. إذا أردت أن تغتسل للجمعة فتوضأ و اغتسل.

۳. و ليس في غسل الجنابة وضوء، و الوضوء في كل غسل ما خلا غسل الجنابة، لأن غسل الجنابة فريضة مجزية عن الفرض الثاني، و لا يُجزئه سائر الغسل عن الوضوء، لأن الغسل سنة و الوضوء فريضة، و لا يُجزئ سنة عن فرض، و غسل الجنابة و الوضوء فريضتان، فإذا اجتماعاً أكبرهما يُجزئ عن أصغرهما، و إذا اغتسلت بغير جنابة فابدأ بالوضوء ثم اغتسل، و لا يُجزئك الغسل عن الوضوء، فإن اغتسلت و نسيت الوضوء فتوضأ و أعد الصلاة.

مطرح نکرده‌اند، اما از مجموع فرمایشات ایشان چنین بر می‌آید که قائل به کفایت غسل مستحبی از وضو هستند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۴).

با توجه به این نکته ایشان به صورت مختصر به این موضوع پرداخته‌اند، ما برای روشن تر شدن مبانی این دیدگاه، به ادله فقهای دیگری که همین نظر را دارند نیز، اشاره خواهیم کرد؛ چرا که با توجه به قرابت مبنايي، به نظر می‌رسد که مرحوم حکیم نیز به همین ادله استناد کرده باشند، اگرچه تصریحی از سوی ایشان نیامده است.

یکی از مستندات مهم نظریه کفایت، روایاتی است که بر اجزاء غسل از وضو دلالت دارند. در این بخش به مهم‌ترین این روایات اشاره می‌کنیم: امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «غسل از وضو کفایت می‌کند و کدام وضو طاهرتر از غسل است؟»^۱ (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۴۴). ظاهر روایت، کفایت مطلق غسل از وضو است، بدون آنکه مقید به جنابت یا نماز باشد؛ همچنین اطلاق کلمه غسل و تأکید امام بر طهارت بیشتر غسل نسبت به وضو، می‌تواند شامل اغسال غیرجنابت (حتی مستحبی) نیز بشود. افزون بر روایت مذکور روایت امام صادق علیه السلام است در این روایت، راوی از لزوم وضو پس از غسل جنابت سؤال می‌کند. امام علیه السلام ابتدا می‌خندند (که نوعی ردّ تلویحی است) و سپس می‌فرمایند: «کدام وضو پاک‌کننده‌تر و رساتر از غسل است؟»^۲ (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۴۷).



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

اطلاق جمله امام علیه السلام دلالت بر این دارد که غسل به خودی خود طهارت لازم را برای عبادت (از جمله نماز) ایجاد می‌کند. فحوای کلام امام علیه السلام در ردّ نیاز به وضو پس از هر نوع غسل فهمیده می‌شود، به‌ویژه اگر روایات مشابه در کنار این روایت قرار گیرد برای مثال روایت عمّار ساباطی از امام صادق علیه السلام است، در این روایت از امام سؤال می‌شود که آیا پس از غسل جنابت، جمعه یا عید، وضو لازم است؟ امام علیه السلام به صراحت می‌فرمایند: نه پیش از آن و نه پس از آن وضو واجب نیست؛ غسل کافی است. همچنین زنانی که غسل حیض یا غسل‌های دیگر (مطلقاً) انجام می‌دهند نیز نیاز به وضو ندارند^۳ (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۴۴).

۱. «الْغُسْلُ يُجْزِي عَنْ الْوُضُوءِ، وَأَيُّ وَضُوءٍ أَطْهَرَ مِنَ الْغُسْلِ؟»

۲. «إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ يَتَوَضَّأُ وَضُوءَ الصَّلَاةِ، فَضَحَكَ وَقَالَ: وَأَيُّ وَضُوءٍ أَتَقَى مِنَ الْغُسْلِ وَأَبْلَغُ؟»

۳. «قَدْ أَجْزَأَهُ الْغُسْلُ ... الْمَرْأَةُ مِثْلَ ذَلِكَ ... قَدْ أَجْزَأَهَا الْغُسْلُ».

عبارت «غسل‌های دیگر» به وضوح اطلاق به سایر اغسال دارد، چه واجب و چه مستحب. بنابراین، روایت می‌تواند به عنوان یکی از قوی‌ترین ادله کفایت اغسال مستحبی از وضو مورد استناد قرار گیرد. علاوه بر مذکور روایت حماد بن عثمان از امام صادق (ع) است این روایت از فردی سخن می‌گوید که برای روز جمعه یا غیر آن غسل می‌کند (غیر آن، می‌تواند شامل اغسال مستحبی مثل غسل زیارت باشد). امام (ع) می‌فرماید: «کدام وضو طاهرتر از غسل است؟»^۱ (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۴۵).

اینکه شخص برای روز جمعه و غیر آن غسل می‌کند نشان‌دهنده تعمیم حکم به غیر از غسل جمعه نیز هست، پس نمی‌توان گفت که ویژگی خاصی فقط در غسل جمعه لحاظ شده است. همچنین توقیع امام هادی (ع) به محمد بن عبدالرحمن همدانی این نظریه را اثبات می‌کند در این توقیع، سؤال‌کننده می‌پرسد: آیا پس از غسل جمعه برای نماز باید وضو گرفت؟ امام در پاسخ، هم غسل جمعه و هم «غیر آن» را ذکر می‌کنند و می‌فرمایند: وضو لازم نیست^۲ (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۴۶).



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

عبارت «و لا غیره» صراحت دارد در نفی وجوب وضو برای سایر اغسال، و نه فقط اغسال واجب، بلکه شامل اغسال مستحبی نیز می‌شود. این روایت یکی از قوی‌ترین شواهد کفایت اغسال مستحبی از وضو است. افزون بر روایات گذشته روایت عبد الله بن سلیمان از امام صادق (ع) است این روایت ممکن است دلالت بر عدم کفایت همه اغسال مستحبی از وضو کند؛ چرا که تنها غسل جمعه را مستثنا کرده و گفته: «فقط غسل جمعه است که قبل از آن وضو وجود دارد»^۳ (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۴۵)؛ اما همین مقدار نیز می‌تواند در مقابل نظریه اول (عدم کفایت) قد علم کند. در روایتی دیگر، امام صادق (ع) وضو گرفتن بعد از غسل را بدعت می‌داند^۴ (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۴۶). این تعبیر بسیار قوی است و عملاً می‌رساند که نه تنها وضو بعد از غسل لازم

۱. «في الرجل يغتسل للجمعة أو غير ذلك، أ يجزیه من الوضوء؟ فقال أبو عبد الله (ع): «وأي وضوء أطهر من الغسل؟»

۲. «لا وضوء للصلاة في غسل يوم الجمعة ولا غيره».

۳. «روي أنه ليس شيء من الغسل فيه وضوء إلا غسل يوم الجمعة، فإن قبله وضوء».

۴. «الوضوء بعد الغسل بدعة».



نیست، بلکه مردود شرعی است. این روایت صراحت تامّ در اجزاء غسل از وضو دارد؛ چرا که اگر وضو لازم بود، نمی‌توانست بدعت شمرده شود.

۲. بیان و بررسی اشکالات دو نظریه

پس از تبیین نظریات دو فقیه درباره کفایت اغسال مستحب از وضو، اکنون نوبت به بررسی و نقد این دیدگاه‌ها می‌رسد. در این بخش، مهم‌ترین اشکالات وارد بر هر یک از دو نظریه، از جهت مبانی، ادله و آثار فقهی آنها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲-۱. اشکالات نظریه اوّل

این نظریه با چند اشکال اساسی مواجه است که بررسی آنها می‌تواند در ارزیابی قوّت و ضعف مبانی دیدگاه یادشده مؤثر باشد. اشکال اوّل ناظر به دلیل قرآنی ایشان، یعنی آیه شریفه وضو است. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، ایشان به اطلاق آیه ۶ سوره مائده استناد کردند و نتیجه گرفتند که طبق ظاهر آیه، انجام وضو برای نماز امری واجب و غیر قابل اغماض است. در پاسخ به این استدلال گفته می‌شود که این آیه تنها در صورتی می‌تواند به صورت تامّ و تمام دلالت بر وجوب وضو برای نماز داشته باشد که ما هیچ دلیلی در دست نداشته باشیم که آن را به عنوان مقید یا مخصّص از شمول اغسال مستحبی خارج کند. در حالی که همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، روایات معتبری وجود دارد که دلالت بر کفایت برخی از اغسال مستحبی از وضو دارند، بنابراین با وجود این ادله، نمی‌توان آیه مذکور را بدون تقیید در مقام اثبات عدم کفایت اغسال مستحبی از وضو به کار برد. به عبارت دیگر، این آیه تنها در صورت نبودن قرینه خارجی بر تخصیص یا تقیید، می‌توانست دلالت روشنی بر مدّعی صاحب جواهر داشته باشد.

افزون بر اشکال یادشده، از سوی دیگر، اشکال دیگری نیز متوجّه این نظریه است که ناظر به روایاتی است که در تأیید دیدگاه مرحوم صاحب جواهر نقل شده‌اند؛ چرا که روایت اوّل از ابن ابی عمیر نقل شده، از منظر برخی فقها از حیث سند معتبر نیست؛ زیرا در آن راوی ناشناخته‌ای وجود دارد (عن رجل)، و همین امر موجب ضعف سندی روایت می‌شود، از این رو این روایت، بنابر مبنای احتیاط در پذیرش روایات، قابل استناد نخواهد بود (خوئی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۵۰۲).



همچنین روایت دوم که از حماد بن عثمان نقل شده نیز از اشکالات سندی در امان نیست. در سلسله سند این روایت، تمام راویان به طور مشخص و معتبر ذکر نشده‌اند. همین نقص سندی باعث شده برخی فقها نیز آن را از درجه اعتبار ساقط بدانند (خوئی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۵۰۳).

در پاسخ به این اشکالات، برخی از مدافعان نظریه عدم کفایت، به شهرت فتوایی میان فقها تمسک جسته‌اند و معتقدند که این شهرت می‌تواند ضعف سند روایات را جبران کند (باقری، ۱۳۹۷، ص ۲۱۴) هرچند این استدلال در نگاه اول قابل توجه است، اما از آنجا که این مبنا یعنی جبران ضعف سند با شهرت خود محل اختلاف است و اثبات نشده، نمی‌توان آن را به عنوان دلیل مستقل یا مکمل برای پذیرش روایات یادشده تلقی کرد.

گذشته از موارد پیش گفته اگر «الغسل» الف و لام جنس داشته باشد، ظاهر آن عموم و اطلاق دارد و در نتیجه شامل همه اغسال، حتی غیر مشروع، نیز می‌شود. حال آنکه احدی از علما قائل به کفایت غسل غیر مشروع از وضو نشده است. بنابراین، باید الف و لام را عهد بگیریم، و اگر چنین کنیم، می‌توان گفت مراد، غسل جنابت است؛ زیرا آن بیش از بقیه مورد ابتلا واقع می‌شود، نه اغسال مستحبی. این اشکال از دو جهت قابل رد است:

اولاً اینکه گفته شود اگر الف و لام، جنس باشد، شامل غسل‌های غیر مشروع نیز می‌شود، اشتباه است؛ چرا که در لغت و عرف دینی، عنوان غسل فقط بر دو چیز صادق است: غسل واجب و غسل مستحب مشروع.

غسل غیر مشروع (مثلاً غسل با نیت باطله یا بدعتی) در عرف اصلاً «غسل» شمرده نمی‌شود تا مشمول اطلاق «الغسل» قرار گیرد. بنابراین، اطلاق «الغسل» هرگز شامل غسل‌های غیر مشروع نمی‌شود تا بگوییم لازمه اطلاق، قول به یک امر غیر معقول و غیر مقبول است. پس تمسک به اطلاق، کاملاً موجه است (نجفی ۱۴۰۴، ص ۲۴۲ - ۲۴۳) و دیگر در فرضی که «الغسل» را عهد بگیریم، باز هم ادعای اینکه مراد از آن تنها غسل جنابت است، قابل مناقشه است نخست اینکه صرف کثرت ابتلا نمی‌تواند منشأ تعیین عهد باشد؛ چرا که در بسیاری از موارد «عهد» نیازمند قرینه مشخص لفظی یا مقامی است، نه صرف شایع بودن مصداق.



این نکته در مباحث اصولی نیز به خوبی مورد توجه است که کثرت ابتلا، بدون قرینه خاص، نمی‌تواند معنای عهد را تثبیت کند (خوئی ۱۴۱۰، ص ۲۳۵-۲۳۸). همچنین اگر از ملاک «کثرت ابتلا» استفاده کنیم، باز هم ممکن است مواردی مانند غسل جمعه خصوصاً بر فرض وجوب آن، طبق رأی ابن بابویه و برخی دیگر (بیشتر از غسل جنابت مورد ابتلا باشد؛ چرا که غسل جنابت به عوامل خاصی وابسته است، اما غسل جمعه، در هر هفته تکرار می‌شود و ممکن است برای افراد متدین حتی بیشتر از غسل جنابت رخ دهد. حتی اگر غسل جمعه را مستحب بدانیم، اطلاق روایات دیگر و دلالت التزامی برخی متون (که در بالا نقل شد) نشان می‌دهد که منظور از «الغسل» در آن روایت، مطلق اغسال مشروعه است، نه فقط غسل جنابت.

در نتیجه، اشکال بر مرحوم حکیم، مبنی بر اینکه روایت محمد بن مسلم صرفاً ناظر به غسل جنابت است، وارد نیست. چه «الغسل» را جنس بدانیم و چه عهد، در هر دو صورت، امکان انحصار در غسل جنابت، یا اثبات بطلان اطلاق، وجود ندارد. پس می‌توان به دلالت این روایت در کفایت مطلق غسل مشروع از وضو اعتماد کرد.



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۲-۲. اشکالات نظریه دوم

در مقام بررسی دلالت روایات بر کفایت غسل (واجب یا مستحب) از وضو، سه اشکال مهم قابل طرح است که در ادامه به تحلیل آنها و پاسخ‌هایی که می‌توان به آنها داد می‌پردازیم:

اشکال اول دلالت روایت ابن یقطین بر لزوم وضو پیش از غسل جمعه است که امام فرمود: هنگامی که اراده بر غسل جمعه کردی، اول وضو بگیر سپس غسل کن، ظاهر این روایت، لزوم وضو گرفتن پیش از غسل جمعه را می‌رساند. حال اگر فرض بگیریم که غسل جمعه خصوصیتی نسبت به سایر اغسال مستحبی ندارد، با الغای خصوصیت غسل جمعه نتیجه می‌گیریم که سایر اغسال مستحبی نیز چنین حکمی دارند؛ یعنی وضو در کنار غسل لازم است و در نتیجه، غسل به تنهایی از وضو کفایت نمی‌کند.

برای رفع این اشکال، باید به نکته‌ای توجه کرد و آن اینکه باید بررسی شود که آیا واقعاً غسل جمعه خصوصیتی ندارد یا نه؟ برخی از علما، با توجه به تعدد و تأکید روایات، برای غسل جمعه امتیازاتی قائل شده‌اند؛ از جمله برخی مثل ابن بابویه قائل به وجوب آن شده‌اند، که در این صورت، از اغسال مستحبی دیگر متمایز می‌شود. (صدوق، ۱۴۱۳ق، ص ۵۲) همچنین روایات متعددی به طور صریح و مستقیم دلالت بر کفایت غسل (اعم از واجب یا مستحب) از وضو دارند. نمی‌توان این روایات را کنار گذاشت یا تخصیص زد مگر با قرائن واضح، نه صرف یک روایت که می‌توان آن را حمل بر استحباب وضو قبل از غسل دانست.

افزون بر اشکال یاد شده وجود روایاتی که به طور صریح می‌فرمایند: فقط غسل جنابت وضو را کفایت می‌کند، حتی در برخی روایات آمده است که هیچ غسلی وجود ندارد که کفایت کند از وضو مگر غسل جنابت.^۱ (حرعاملی، ج ۲، ص ۲۴۸) این روایات دلالت بر انحصار کفایت غسل از وضو در غسل جنابت دارند و به عنوان نصوص معارضه با روایات دال بر کفایت مطلق غسل مطرح می‌شوند. این اشکال در جای خود مهم است، اما باید بررسی شود که آیا سند و دلالت آنها تمام است یا خیر. همچنین برخی از این روایات، در مقابل ده‌ها روایت معارض دیگر هستند که دلالت صریح بر کفایت حتی در اغسال مستحبی دارند. در صورت تعارض دو طائفه متقابل از روایات، باید به قواعد جمع عرفی، حمل بر استحباب، یا سایر اصول رجالی و اصولی مراجعه کرد، نه اینکه به سادگی یکی را نادیده گرفت. علاوه بر اشکال مزبور ادعا شده اگرچه روایاتی که می‌گویند غسل از وضو کفایت می‌کند، کم نیستند؛ اما علما در فتوای خود از آنها اعراض کرده‌اند و این خود می‌تواند نشانه وجود مشکلی در این روایات باشد (حلی، ۱۴۱۲، ص ۱۶۵-۱۶۶).

در پاسخ باید گفت، اولاً اثبات اعراض اصحاب از این روایات، نیازمند تتبع تاریخی دقیق است و صرف عدم فتوا دادن برخی فقهاء، به تنهایی نمی‌تواند نشانه اعراض عرفی محسوب شود.

دوم آنکه جمعی از بزرگان مانند شیخ طوسی، ابن جنید و ابن بابویه به مفاد این

۱. «لیس شیء من الغسل یجزئ عن الوضوء إلا غسل الجنابة».



روایات عمل کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۴)، از این رو، نمی‌توان ادّعیای وجود اعراض یا اجماع بر ترک عمل به آنها را پذیرفت. سوّم، حتی اگر فرض شود که اعراضی در میان اصحاب وجود داشته، با توجه به تعدّد و صراحت این روایات، صرف چنین احتمالی برای کنار گذاشتن آنها کافی نیست، مگر آن‌که قرائن قوی‌تری بر ردّ آنها ارائه گردد.

از سوی دیگر، اینکه امام فرمودند: غسل مستحبی از وضو کفایت می‌کند، مخصوص مواردی است که وقت نماز تنگ است و فرصت وضو وجود ندارد؛ به همین خاطر کفایت غسل از وضو در چنین مواردی از باب ضرورت و تنگی وقت بوده است، ولی این حمل فاقد هر گونه قرینه است و هیچ‌یک از روایاتی که دالّ بر کفایت هستند، دلالتی بر تنگی وقت ندارند؛ چرا که در همه روایات سوال سائل منصرف به حالت عادی است نه اینکه ناظر به تنگی وقت نماز باشد.

در نهایت اشکال آخر اینکه مراد از این که غسل از وضو کفایت می‌کند، این نیست که به جای وضو کافی است، بلکه یعنی برای صحتّ غسل، نیازی به وضو نیست؛ یعنی غسل بدون وضو نیز صحیح است.

یا گفته شود مراد این است که وضو گرفتن از آداب غسل هم نیست. اما این حمل‌ها خلاف ظاهر عرفی روایات هستند. این تفاسیر، تنها ممکن است بر برخی روایات مجمل یا قابل توجیه منطبق شوند، اما بعضی از روایات صریح در این هستند که غسل، کافی از وضو است، نه اینکه فقط نیازی به وضو برای صحتّ نداشته باشد.

نتیجه‌گیری

با بررسی دقیق دو نظریه در مسئله کفایت اغسال مستحبی و واجب از وضو، مشخص شد که ادلّه مرحوم حکیم بر مبنای کفایت مطلق غسل (چه واجب و چه مستحب) از وضو، از حیث سند و دلالت، قوّت لازم را دارا هستند. روایاتی که ایشان برای اثبات این نظریه ذکر کرده‌اند، هم از نظر متن دارای صراحت در دلالت‌اند و هم از نظر اعتبار سندی قابل استناد می‌باشند. اشکالاتی که بر این دسته از روایات وارد شده بود نظیر حمل بر غسل جنابت، وجود وقت ضیق، ادغام غسل جنابت با غسل مستحبی، یا



حمل بر صحت غسل بدون وضو همگی پاسخ داده شدند و در هیچ‌یک از آنها شاهد معتبر و الزام‌آوری برای ردّ اطلاق روایات یافت نشد.

در مقابل، ادله طرف مقابل، به‌ویژه استدلالاتی که صاحب جواهر و دیگر قائلان به عدم کفایت مطرح کرده‌اند، با اشکالاتی جدی مواجه بود. این اشکالات عمدتاً مربوط به ضعف سندی روایات مخالف، یا تعارض ناپذیرفتنی آنها با نصوص صریح دال بر کفایت بودند. همچنین تلاش برای حمل روایات بر غسل جنابت به صرف شهرت عملی، یا موارد استثنائی همچون تنگی وقت، نتوانست نصوص متعدّد و صریح مؤید نظر مرحوم حکیم را توجیه نماید.

بنابراین، نظر مرحوم حکیم مبنی بر کفایت مطلق اغسال مشروعه از وضو، با توجه به پشتوانه قوی روایی و ضعف ادله مخالف، نظریه‌ای قابل دفاع، متقن و ترجیح‌پذیر است و به‌نظر نگارنده، می‌توان آن را به عنوان نظریه صحیح در این مسئله پذیرفت.



فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۱. باقری، حمید، ۱۳۹۷، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، دوره ۴۹، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
 ۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ اول، بیروت - لبنان، مؤسسه آل البيت (ع).
 ۳. حکیم طباطبائی، سید محمد سعید، ۱۳۸۵، مصباح المنهاج کتاب الطهارة، چاپ اول، قم، مؤسسه المنار.
 ۴. حلّی، ابن ادریس، ۱۴۱۰، السرائر، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
 ۵. حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۲ق، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶۵-۱۶۶.
 ۶. خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۵، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم، دارالتشر الاسلامی.
 ۷. خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۰ق، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۲، قم: مؤسسه المرتضی.
 ۸. قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۹. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۰ق، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، قم، چاپ اول مؤسسه النشر الاسلامی.
 ۱۰. علی بن موسی الرضا (ع)، ۱۴۱۰، فقه الرضا، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
 ۱۱. مکی، محمد (شهید اول)، ۱۴۱۹، ذکری، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
 ۱۲. نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۹، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء تراث عربی.
 ۱۳. نوری، میرزا حسن، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، بیروت - لبنان، مؤسسه آل البيت (ع).



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳